

بررسی مواضع کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در قبال دیوان بین المللی کیفری

مجید بزرگمهری*

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

نازنین خرمی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

حضور فعال کشورهای اسلامی در مجامع بین‌المللی با توجه به جهت‌گیری و رویکردهای خاص حاصل از عقاید اسلامی، همواره یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی سیاست بین‌الملل بوده است. سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی با حضور فعال کشورهای مهم و مطرح جهان اسلام مانند مصر، عربستان، ایران، ترکیه و غیره، توانسته است به یکی از مجامع پویا و کلیدی جهان اسلام مبدل شود و توجه دیگر نهادها را در عرصه‌ی بین‌الملل به خود معطوف سازد. این مقاله درصدد است با بررسی مواضع کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در یکی از مهمترین نهادهای قضایی و کیفری بین‌المللی یعنی دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) که وظیفه‌اش رسیدگی به جرائم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات تجاوز است، بتواند شناخت جامعی از مواضع عملی و اعلامی کشورهای جهان اسلام در برابر قوانین کیفری حقوق بین‌الملل ارائه دهد.

مطابق بررسی‌های انجام شده از سایت رسمی (ICC) و نتایج حاصله از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، و تأکید بر تحلیل محتوای اسناد، به نظر می‌رسد که کشورهای اسلامی در قبال دیوان، سه رویکرد متفاوت را اختیار کرده‌اند. نخست کشورهایی که بدون هیچ‌گونه تردیدی به عضویت کامل دیوان درآمده‌اند. این دسته اغلب شامل کشورهایی است که کوچک بوده و سابقه‌ی مستعمره بودن را در گذشته‌ی نه چندان دور خود دارند. دسته‌ی دوم، کشورهایی که پس از امضاء متن اساسنامه‌ی دیوان، تردیدهایی اساسی در تصویب اساسنامه و الحاق قطعی به دیوان دارند. موضوع نقض حاکمیت ملی، احتمال آن که دیوان آلت دست قدرتهای بزرگ بوده باشد و مغایرت اصول اساسنامه با مقررات شرعی اسلام، از جمله استدلال‌های این دسته از کشورها است. دسته‌ی سوم، کشورهایی هستند که اساساً اساسنامه را امضا نکرده‌اند.

تکیه بر اسناد دیوان بین‌المللی کیفری در بررسی مواضع کشورها نقطه‌ی قوت این تحقیق است.

واژگان کلیدی: سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی، دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله و سؤال اصلی

خاطرات تلخ نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در قرن بیستم، از مهمترین عوامل تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) به شمار می‌رود. در بسیاری از موارد، جرائم رخ داده در قرن گذشته با مصونیت مرتکبان آنها که اغلب از دولتمردان و نظامیان عالی‌رتبه بوده‌اند، همراه بوده است؛ و اکنون این دیوان می‌تواند به این مصونیت، پایان بخشد. تا فوریه‌ی ۲۰۱۳، یکصد و بیست و یک کشور با امضا و تصویب «اساسنامه‌ی رم» به روند پایان‌دادن به «یلدای بلند مصونیت» پیوسته‌اند و سی‌ودو کشور صرفاً امضاکننده‌ی اساسنامه تلقی می‌گردند (UN. Data Bases. AS AT : 03-02-2013. STATUS)

کشورهای اسلامی عضو سازمان همکاری اسلامی نیز در این راستا فعال بوده‌اند و در مواردی صرفاً اساسنامه‌ی رم، موسوم به اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری، را امضا کردند و برخی دیگر علاوه بر امضا، سند آن را در مجالس قانونگذاری خود به تصویب رسانده‌اند و هم‌اکنون عضو کامل دیوان تلقی می‌گردند.

در این مقاله عضویت بیست‌و یک کشور عضو سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی در دیوان کیفری بین‌المللی و ادامه‌ی تردیدهای بیش از سی و شش کشور اسلامی دیگر - که حدود یک ششم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند - برای عضویت در این نهاد قضایی کیفری بین‌المللی، مورد توجه قرار گرفته است.

سؤال محوری ما در این نوشتار از وضعیت مواضع کشورهای اسلامی در قبال دیوان بین‌المللی کیفری است. مواضع کشورهای اسلامی در قبال دیوان مذکور چگونه ارزیابی می‌شود و آیا تفاوت‌های معناداری در مواضع این کشورها مشاهده می‌گردد؟

شایان ذکر است که از آنجا که این پژوهش ماهیت عمده‌تاً توصیفی دارد پیش‌بینی یک فرضیه چندان ضروری به نظر نمی‌رسد.

۱-۲- بررسی مفاهیم - دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی (International Criminal Court) به اختصار (ICC) اولین دادگاه دائمی بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز است که مقر آن در لاهه (هلند) قرار دارد.

اساسنامه‌ی این دادگاه در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ در رم به تأیید نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید و در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ با تصویب آن توسط ۶۰ کشور موجودیت پیدا کرد. این دادگاه به جرایمی رسیدگی می‌کند که پس از این تاریخ توسط اتباع یا در قلمرو یکی از کشورهای عضو انجام شده باشد و یا این‌که از سوی شورای امنیت ملل متحد به این دیوان احاله شده باشد. کشورهای مهمی چون آمریکا، روسیه و چین (سه عضو دائم شورای امنیت) و هند (دومین کشور پرجمعیت دنیا) از منتقدان این دادگاه بوده و به آن نپیوسته‌اند.

این دادگاه تاکنون به پنج موضوع رسیدگی کرده است؛ شمال اوگاندا، کنگو، آفریقای مرکزی، دارفور (سودان)، و کنیا. همچنین علیه چهارده نفر اعلام جرم کرده که از بین آن‌ها هفت نفر فراری، دو نفر مرده (یا تصور می‌شود که مرده باشند)، چهار نفر در بازداشت و یک نفر به طور داوطلبانه در دادگاه حاضر شده است. اقدام دیوان در مورد جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در موضوع سودان و «عمر البشیر» (رئیس جمهور سودان) از جمله موارد بحث برانگیز برای اتحادیه‌ی عرب و کشورهای اسلامی تلقی می‌گردد. (خزایی، ۱۳۹۰)

- کشورهای عضو سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی

در اینجا منظور از کشور اسلامی، دولت عضو «سازمان همکاری اسلامی» است، که به موجب منشور سازمان کنفرانس اسلامی، عضویت در آن سازمان صرفاً منوط به موافقت دو سوم اعضاست. پنجاه و هفت کشور عضو سازمان هستند که آخرین آن‌ها جمهوری ساحل عاج در سال ۲۰۰۱ عضو سازمان شده و پنج کشور نیز عضو ناظر هستند. (فوزی، ۱۳۷۷)

مواضع کشورهای اسلامی

منظور از مواضع، اعلام نظر رسمی کشورهای اسلامی است که در نطق‌های جلسات رسمی تصویب اساسنامه تبیین شده است؛ و همچنین بیانه‌های رسمی و اعلان حق شرط‌ها و اعلامیه‌های تفسیری که در زمان امضاء سند اساسنامه و یا در زمان تسلیم سند تصویب به دبیرخانه‌ی دیوان و دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد تسلیم شده است. اعلام مواضع از سوی

مقامات رسمی در نطق‌ها و کنفرانس‌های مطبوعاتی و جراید نیز به عنوان مواضع یک کشور تلقی می‌گردد.

۱-۳- روش تحقیق و محدودیتها

در این تحقیق با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوای اسناد سعی داریم مواضع کشورهای اسلامی را ارزیابی نمائیم .

اگر چه در زمینه‌ی مواضع جمهوری اسلامی ایران منابع فارسی موجود است ، لیکن فقدان منابع فارسی در زمینه‌ی مواضع سایر کشورهای اسلامی از جمله مشکلات این تحقیق بوده- است. مراجعه به سایت سازمان ملل و بررسی سایت وضعیت حقوقی کنوانسیون‌ها (UN Data Bases. STATUS) برای بازبینی مواضع رسمی کشورها، از جمله روش‌های اتخاذ شده است. سایت مزبور وضعیت عضویت و سطح عضویت امضا و یا تصویب و موارد حق شرط و یا اعلامیه‌های تفسیری یکایک کشورها را در مرحله‌ی امضا و یا تصویب درج کرده‌است .

در این راستا، چون متون مندرج دارای بار حقوقی و مملو از اصطلاحات حقوقی است، مطالعه‌ی دقیق آنها ضروری بود تا امکان تحلیل مفاد آنها مهیا گردد. شایان ذکر است که دولت‌ها معمولاً سعی دارند با عبارات دو پهلو و کلی در حق شرطها و اعلامیه‌های تفسیری خود ، راه گریز از قید بندهای احتمالی را پیش‌بینی کنند و همین امر تشخیص موضع واقعی یک کشور را دچار مشکل می‌سازد. به طور مثال؛ کشور مصر در متن تفصیلی اعلامیه‌ی تفسیری خود در زمان امضا ، با ظرافتهای بسیار سعی کرده ، به رغم پذیرش مفاد اساسنامه، تفسیر نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را به عرف پذیرفته شده‌ی جامعه‌ی جهانی منوط کند نه به تفسیر قضات و یا دادستان دیوان، که با این وصف، امکان تنظیم دادخواست علیه مقامات مصری به سادگی امکان پذیر نیست .

گام بعدی، تحلیل این مواضع با توجه به سیاست کلی کشورها بود که در این تحقیق بدان پرداخته شده است.

۲- داده‌ها

۲-۱- تشریح وضعیت الحاق دول اسلامی به دیوان

از میان ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، تا کنون ۲۱ کشور با تصویب اساسنامه‌ی دیوان، مطابق با حقوق داخلی خود و تودیع اسناد تصویب ، رسماً به عضویت دیوان بین‌المللی کیفری در آمده‌اند. این کشورها عبارتند از:

افغانستان، آلبانی، گینه، جیبوتی، اردن، اوریتانی (۲۰۰۳)، بنین، اکوادور، نیجریه، سیرالئون، تاجیکستان، اوگاندا، ونزوئلا، مالی، گابن، گامبیا، سنگال (۲۰۰۲) بورکینافاسو، لیبی، گویان (۲۰۰۴)، بنگلادش (۲۰۱۰) چاد (۲۰۰۷) سورینام (۲۰۰۸) تونس (۲۰۱۱)

برخی از کشورها مانند ایران، مصر، الجزایر، بحرین، کامرون، کویت، مراکش، موزامبیک، عمان، سوریه، امارات متحده‌ی عربی و ازبکستان، صرفاً به امضای اساسنامه اکتفا کرده‌اند و هنوز اقدامی مبنی بر تصویب اساسنامه به انجام نرسانده‌اند.

برخی هم مثل عربستان سعودی، ترکیه، مالزی، اندونزی، عراق، لبنان، آذربایجان، قطر، توگو، قزاقستان، ترکمنستان، سومالی و ساحل عاج، نه اساسنامه را امضا و نه آن را تصویب کرده‌اند و می‌توان گفت که از مخالفان موجودیت دیوان به حساب می‌آیند.

تمرکز این تحقیق بر تشریح مواضع پنج قطب اصلی سازمان کنفرانس اسلامی است؛ که عبارتند از: ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه و مالزی.

دسته‌ی نخست کشورهای اسلامی هستند که اساسنامه‌ی دیوان را امضا و سپس تصویب کرده‌اند. اینها اغلب کشورهایی هستند که سابقه‌ی مستعمراتی دارند و حق شرط آنها در زمان تصویب، عمدتاً شکلی است و ایدئولوژی محور نمی‌باشد.

دولت چاد در اعلامیه‌ای تفسیری مطابق بند ۲۱ ماده‌ی ۸۷، زبان کار را زبان فرانسه می‌داند. (<http://treaties.un.org>.2013)

دولت سورینام در بیانیه ۲۵ اگوست ۲۰۰۸ اعلام کرد که مطابق بند ۲۱ ماده ۸۷، فقط موضوع مکالمه‌ی دادگاه را به زبان انگلیسی و هلندی معتبر می‌داند (<http://treaties.un.org>.2013).

دولت اردن اعلام کرد که هیچ کدام از اصول قانون ملی و قانون اساسی اردن در تعارض با مفاد اساسنامه‌ی دیوان نیست. لذا به نظر می‌رسد دولت اردن هم‌سویی کاملی با مفاد اساسنامه و دول تصویب‌کننده‌ی اساسنامه دارد. (<http://treaties.un.org>.2013)

همان‌طور که مشاهده می‌شود حق شرط این کشورها بیشتر جنبه‌ی شکلی داشته و نگاهشان با اصول مسائل محوری اساسنامه همسویی دارد.

دسته‌ی دوم، کشورهایی هستند که هم اکنون حکم ناظر و تماشاگر را دارند، زیرا اساسنامه را امضا کرده‌اند اما در مرحله‌ی تصویب، تعلل کرده و همچنان در حال ارزیابی اقدامات دیوان و بررسی هم‌خوانی و یا عدم هم‌خوانی آن با قوانین ملی و بعضاً منافع خود می‌باشند؛ از میان این کشورها به بررسی ایران و مصر به عنوان دو قطب از پنج قطب اعضای همکاری اسلامی می‌پردازیم. این دو کشور اساسنامه‌ی دیوان را امضا کرده‌اند، اما از تصویب آن خودداری نموده‌اند.

دسته سوم، کشورهایی هستند که اساسنامه را امضا نکرده‌اند و یا پس از امضا آن را پس گرفته‌اند.

شاید بتوان با بررسی و تحلیل پیامدهای حاصل از الحاق این کشورهای اسلامی به دیوان و بیان چالش‌های پیش روی آنها در تصویب اساسنامه‌ی آن، به دلایل عمده‌ی امتناعشان از الحاق به دیوان پی برد.

۲-۲- چالش‌های پیش روی کشورهای اسلامی

- **مسئله‌ی قاعده‌ی نفی سبیل:** برخی از صاحب نظران الحاق کشورهای اسلامی به دیوان را در تناقض با قاعده‌ی نفی سبیل می‌دانند. در ادامه ضمن تعریف جامعی از قاعده‌ی نفی سبیل به بررسی این دیدگاه می‌پردازیم.

قاعده‌ی نفی سبیل که از نص قرآن اتخاذ شده‌است؛ (و لن يجعل الله الكافرين على المسلمين سبيلا) (سوره‌ی نسا، آیه ۱۴۱) قضاوت یک قاضی غیرمسلمان بر فرد مسلمان را نمی‌پذیرد و در صورت عضویت، امکان نصب قاضی غیرمسلمان برای رسیدگی به اتهامات مسلمان (مقامات سیاسی و یا نظامی کشورهای اسلامی) ایجاد می‌شود.

البته این نظر در مقابله با چالش مذکور نیز مطرح می‌شود که اولاً؛ مراجعه‌ی این دولتها به مراجعی چون دیوان بین‌المللی دادگستری قبلاً صورت می‌گرفته و اکنون نیز مکرراً دعای کشورهای اسلامی با دیگر کشورها در این دیوان توسط قضاتی که اکثریت قاطع آنها غیر-مسلمان هستند مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. حتی در مواردی کشورهای اسلامی قاضی انتخابی خود را نیز از میان غیرمسلمانان برگزیده‌اند؛ مثل انتخاب قاضی بلژیکی از سوی ایران در دعای سکوه‌ای نفتی علیه ایالات متحده‌ی آمریکا. همچنین صلاحیت دیوان "تکمیلی" است و تا زمانی که نظام قضایی کشورهای اسلامی بر اساس صلاحیت ذاتی خود به تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمان پردازند، این دیوان صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت.

- رابطه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی با سازمان ملل متحد به واسطه‌ی شورای امنیت

از بزرگترین نقاط ضعف ساختاری دیوان، تاثیر و نفوذ مستقیم و غیرمستقیم شورای امنیت بر دیوان است. در چند سال گذشته تجربه نشان داده است که هرگاه کشورهای ابرقدرت-که بالطبع اکثریت آنها عضو شورای امنیت هستند- خواسته باشند، به کیفر رساندن مجرمان شروع یا تسریع می‌شود؛ و بالعکس، اگر نظر مساعد شورا فراهم نشود، در اغلب موارد اقامه‌ی دعای کیفری که در دیوان مطرح می‌شود یا از ابتدا مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد یا عقیم می‌ماند.

طبق بند «ب» ماده‌ی ۱۳ اساسنامه‌ی دیوان، شورای امنیت می‌تواند رسیدگی به جرایم بین-المللی را به دیوان ارجاع دهد. چنین ارجاعی دارای خصیصه‌ی جهانی است و از سوی دیگر

در مرحله‌ی تحقیق و تعقیب جرائم بین‌المللی، شورا می‌تواند همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها و دیوان را تسهیل نماید. شورا همچنین می‌تواند بر اساس ماده‌ی ۱۶ اساسنامه، شروع و یا ادامه‌ی یک تعقیب و تحقیق را در دیوان، به موجب فصل هفتم منشور، به تاخیر بیاورد. این تعلیق تحقیق و تعقیب می‌تواند استقلال قضایی دیوان را مخدوش سازد.

اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرم تجاوز، می‌تواند مسبوق به احراز عمل تجاوز از سوی شورای امنیت باشد. وابستگی دیوان در احراز جرم تجاوز به احراز وقوع این جرم از سوی شورای امنیت استقلال قضات را تحت الشعاع قرار می‌دهد و ممکن است مهمترین جرم بین-المللی از تعقیب باز ماند.

از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که جرایم بین‌المللی چنانچه از سوی نیروهایی که از جانب شورای امنیت مأموریت دارند ارتکاب یابد، مورد رسیدگی دیوان قرار نگیرد. (براتی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱)

چهار عضو دائم شورای امنیت یعنی آمریکا، فرانسه، روسیه و چین از امضای اساسنامه امتناع ورزیدند. عدم عضویت رسمی این قدرتها این شائبه را ایجاد می‌کند که دیوان تحت تاثیر این کشورها قرار گیرد بدون اینکه بتواند علیه آنها اقدام کند. دولتمردان کشورهای اسلامی این نگرانی را دارند که در صورت بروز مشکلاتی با کشورهای عضو دائم شورای امنیت، اعضاء این شورا از قدرت و نفوذ خود در دیوان علیه آنها سوء استفاده کنند.

– قوانین جزایی کشورها و مسأله‌ی جنایت علیه بشریت در اساسنامه‌ی دیوان

حاکمیت حقوق بشر غربی بر روح دیوان، صلاحیت گسترده‌ی دیوان، تناقض برخی از موارد بعضاً مبهم و دویله‌ی اساسنامه با قوانین داخلی کشورهای اسلامی (از جمله تعریف و تفسیر مسأله‌ی شکنجه و مظاهر آن از قبیل؛ رجم، شلاق، بردگی و... و مسأله‌ی اقلیتها بالاخص) از جمله مشکلات پیش روی کشورهای اسلامی برای الحاق به دیوان است که بی شک منجر به احتیاط بیشتر آنها در الحاق به دیوان گردیده است.

دیوان کیفری بین‌المللی با تحمیل بسیاری از قوانین و قواعد عرفی حاکم در جهان غرب در مواد اساسنامه، که بعضاً با موازین دینی، ملی و فرهنگی کشورهای اسلامی مانند ایران، تفاوت‌های فاحشی دارد، کشورهای اسلامی را دچار چالشهای فراوانی در این زمینه خواهد کرد. فراگیری مطلق و در بست همه‌ی قواعد حقوق بشر، چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ کاربردی و عملیاتی از سوی نظریه پردازان و بسیاری از مجریان کشورها، مورد چالش قرار گرفته است. به باور آنها هنجارهای کنونی حقوق بشر بیانگر دستاوردهای همه‌ی ملل متمدن جهان نیست. بر این پایه، قواعد حقوق بشر بر پایه‌ی تمایزات فرهنگی هر یک از کشورها قابل تفسیر و اعمال است. در این نظریه اگرچه پایه‌های حقوق بشر از جمله آزادی بیان، دوری از

شکنجه و ... در نزد همه‌ی کشورها و مردم همه جای دنیا اصول قابل احترامی هستند، اما این بر عهده‌ی یک کشور است که با توجه به اصول اخلاقی خویش به منظور حمایت از اخلاق، به تفسیر، مرزبندی، ضرورت و انجام اصول بنیادین حقوق بشر پردازد. در مورد مغایرت قوانین کشورهای اسلامی با قوانین حاکم بر دیوان می‌توان به تعارض برخی مجازات اسلامی با قواعد حقوق بشر، مانند ممنوعیت مجازات غیر انسانی و تحقیر آمیز اشاره کرد. به باور برخی از کشورهای اسلامی، مجازات بدنی مانند قطع عضو، قابل تفسیر با ممنوعیت مجازات غیر انسانی و تحقیر آمیز حقوق بشری نیست. پس به دلیل همین مغایرت، موضوع جهان شمولی حقوق بشر مردود است. (آل حبیب ۱۳۷۸، صص ۳۵۹-۳۶۱)

۳- بررسی تحلیلی مواضع کشورهای اصلی سازمان همکاری اسلامی

۳-۱- کشورهای که فقط اساسنامه را امضا کرده‌اند

— دولت جمهوری اسلامی ایران

هرچند ایران اساسنامه را در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ امضا کرده است ولی مقررات مبتنی بر اساسنامه، با اصول شرعی قاعده‌ی نفی سبیل، حقوق کیفری و قواعد استرداد مجرمین در ایران تعارض دارد (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰).

نمایندگی ایران در هفتمین نشست دول متعهد دیوان بین المللی کیفری لاهه در سال ۲۰۰۸ حمایت مجدد ایران را از اهداف بنیانگذاران دیوان ابراز می‌دارد ولی اعلام می‌کند، دولت ایران نسبت به موارد ذیل حساس است:

— رعایت دقیق مقررات دیوان در همه‌ی دعاوی و شکایات مطروحه

— عدم نقض حقوق بین الملل در فرایند بازداشت متهمان

— شکایت از دولت آمریکا در ایجاد محدودیت برای نمایندگان دولت ایران برای شرکت در کارگروه "جرم تجاوز" در دانشگاه «پرینستون».

— ضرورت انجام فعالیت دیوان به صورت کاملاً مستقل و با ماهیتی بی طرفانه (Ahmadi, 2008)

به نظر می‌رسد ایران در زمینه‌ی نفوذ ابرقدرتها در فرایند فعالیت دیوان نگرانی جدی دارد. از سوی دیگر مقررات متنوع در ایران در موارد زیادی در تعارض با مقررات دیوان ارزیابی می‌گردد.

الحاق به اساسنامه‌ی دیوان بین المللی کیفری مستلزم آن است که ایران اتباع خود را به دیوان مسترد کند. به موجب ماده‌ی ۸۹ اساسنامه، دیوان می‌تواند درخواست دستگیری و تحویل هر فرد را برای هر دولتی - که آن شخص ممکن است در آن سرزمین باشد - ارسال نماید و همکاری آن دولت را در مورد دستگیری آن شخص از دیوان درخواست نماید. همچنین دولت‌های عضو مکلف هستند این درخواست‌های دستگیری و تحویل را ترتیب اثر دهند.

از سوی دیگر به موجب ماده‌ی ۳ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴، دولت ایران می‌تواند تنها افراد غیرایرانی که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند را مسترد نماید. نباید از خاطر برد که موضوع فعالیت دیوان، امری کیفری است. صلاحیت محاکم خارجی در مورد اتباع ایرانی به شرط اقدام متقابل و تحت شرایط خاص در امور حقوقی پذیرفته شده است. (مواد ۱۶۹ تا ۱۸۰ قانون اجرای احکام مدنی، مصوب یکم آبان ماه ۱۳۵۶). اما در امور کیفری استرداد اتباع کشور به خارج، نوعی سبیل کفار بر مسلمانان محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۴۷۵)

دولت ایران تمایل ندارد که فرصت اقدام علیه جنایتکاران بین‌المللی در جامعه‌ی جهانی از بین برود، و تاسیس دیوان گامی است در راستای تقویت مبانی عدالت در نظام بین‌المللی. لیکن تصویب اساسنامه‌ی دیوان تعهداتی را بر عهده‌ی کشور می‌گذارد که تعارضاتی با نظام قانونگذاری و اصول اعتقادی جمهوری اسلامی دارد.

-دولت مصر

دولت وقت مصر در اعلامیه‌ی تفسیری خود در زمان امضاء اساسنامه، اعلام کرد که ارجاعات بحث حقوق بشر در اساسنامه‌ی دیوان باید به نحوی باشد که مورد قبول جامعه‌ی بین‌الملل به صورت کلان باشد.

دولت مصر در بند ۵ شماره‌ی ۲ اعلامیه‌ی تفسیری خود اعلام می‌کند: «اگر قرار است دیوان موضوع حقوق بشر را در دعای خود مورد توجه قرار دهد، این ارجاعات باید با معیارهای حقوق بین‌المللی و استانداردهای پذیرفته‌شده در سطح جهانی ارزیابی شود». به عبارت دیگر از منظر دولت مصر، دیوان نمی‌تواند موارد حقوق بشر را با تفسیر خود ارزیابی و طرفی را محکوم نماید. در اینجا دولت مصر با طرح ضرورت انطباق ارجاعات دیوان با معیارهای حقوق بین‌الملل جهانی، عملاً راه‌گزینی برای موارد احتمالی اقدام دیوان علیه دولتمردان خود می‌جوید؛ در واقع، با استناد به این‌که یک رای و یا نظر دیوان ممکن است مورد اجماع بین‌المللی نباشد می‌تواند حکم و یا رای دیوان را نپذیرد.

دولت مصر در بند ۴ اعلامیه‌ی خود به موضوع ماده‌ی ۸ می‌پردازد و اعلام می‌کند پیش‌بینی‌های اساسنامه درباره‌ی جنایات جنگی مندرج در ماده‌ی ۸ به صورت کلی، و به طور خاص بند ۲ ماده شامل همه‌ی موارد و انواع تسلیحات، حتی تسلیحات هسته‌ای -که در تعارض با حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است - می‌گردد. همچنین اعلام می‌کند که اهداف نظامی مذکور در بند ۲ ماده‌ی ۸ اساسنامه باید در پرتو اصول، قواعد و پیش‌بینی‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه تعریف شود.

درواقع، دولت مصر با این اعلامیه تمایل دارد موضوع کاربرد تسلیحات هسته‌ای را که ممکن است از سوی ابرقدرتها به کار گرفته شود، تحت شمول این اساسنامه قرار دهد. از سوی دیگر دولت مصر معتقد است که هر هدف نظامی تحت شمول جنایات جنگی قرار نمی‌گیرد، بلکه

اهداف نظامی که ناقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه باشد تحت شمول این موضوع قرار می‌گیرد. دولت مصر در صدد است تا دامنه‌ی تحت شمول مصادیق جنایت جنگی را محدود سازد. (<http://treaties.un.org>, 2013).

با بررسی دیدگاه‌ها و مواضع ایران و مصر می‌توان به این نتیجه رسید که موضع جمهوری اسلامی ایران ایدئولوژیک محور است و در صورتی که مصر موضعی ملی‌گرایانه دارد.

۳-۲- دیدگاه‌های کشورهای که اساسنامه را امضا نکرده‌اند

در بین کشورهای اسلامی عربستان، ترکیه و مالزی به عنوان سه قطب سازمان کشورهای اسلامی و همچنین کشورهای اسلامی دیگر مثل قطر، توگو، اندونزی، عراق، لبنان، آذربایجان، سومالی، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان، از جمله کشورهایی هستند که اساسنامه‌ی دیوان را نه امضا و نه تصویب کردند.

— عربستان سعودی

عربستان سعودی از مخالفان اساسنامه‌ی رم است. این کشور در سال ۱۹۴۹ به عضویت کنوانسیون ژنو درآمده و علاوه بر آن دو پروتکل مرتبط با آن را هم تصویب کرده‌است و بسیاری از کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر مانند، مبارزه با تروریسم را هم امضا کرده‌است؛ اما نه به عضویت کنوانسیون پناهندگان پیوسته و نه اساسنامه‌ی رم را پذیرفته‌است. مقررات دیوان به‌مثابه غل و زنجیری برای کشور عربستان در اجرای سیاست‌هایش است؛ لذا ترجیح عربستان این است که آزادانه به فعالیت دولتی خود بپردازد و در مقابل سیاست‌هایش الزامی برای پاسخگویی به هیچ نهاد بین‌المللی نداشته‌باشد.

به نقل از از پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه‌ی ماهواره‌ای «المنار»، حزب اسلام‌گرای امت عربستان در بیانیه‌ای اعلام کرد؛ «ملک عبدالله بن عبد‌العزیز پادشاه عربستان به جرم ارتکاب جنایات علیه بشریت باید به دیوان بین‌المللی کیفری معرفی شود». چرا که پادشاه عربستان مسئول زندانی شدن زنان و کودکان به اتهام تجمع مسالمت‌آمیز مقابل وزارت دادگستری بوده و حزب اسلام‌گرا بارها خواستار کناره‌گیری خاندان آل‌سعود از قدرت و پایان چپاول و غارت اموال مردم و ثروت‌های عظیم نفتی این کشور بوده‌است.

— کشور ترکیه

ترکیه در حال حاضر عضو اساسنامه‌ی رم نیست. اما در زمان تشکیل دیوان، به‌طور فعال برای تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری و برقراری عدالت در مورد جدی‌ترین جرائم از جمله؛ نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت تلاش نموده‌است.

کشور ترکیه بر اصول و اهداف مندرج در اساسنامه باور دارد و از مبارزه علیه معافیت از مجازات - که بدون شک از بدترین نگرانی‌ها برای جوامع بین‌المللی است - حمایت می‌کند.

اردوغان (نخست وزیر ترکیه) در سخنرانی خود قبل از مجمع پارلمانی شورای اروپا در ماه اکتبر سال ۲۰۰۴ از عزم ترکیه برای تبدیل شدن به یکی از اعضای دیوان خبر داد.

واقعیت این است که مسأله‌ی تروریسم، به عنوان یک جرم تحت صلاحیت دادگاه قرار نمی‌گیرد و ترکیه بسیار تلاش کرد که در مذاکرات رم آن را تصحیح کند؛ همچنین در این زمینه پس از یازده سپتامبر در کمیته‌ی مقدماتی، تلاش‌های بسیاری انجام داد.

در این خصوص کشور ترکیه اعلام کرد؛ «ما بر این باوریم که در کنفرانس بررسی اساسنامه که در ۲۰۰۹ برگزار می‌شود، این موضوع باید به عنوان یک اولویت از حوادث غم‌انگیز در دو دهه‌ی اخیر قرار گیرد».

با بررسی قانون اساسی ترکیه مشاهده می‌شود که بسیاری از جرایم مندرج در اساسنامه‌ی رم در حال حاضر در محدوده‌ی قانون جزایی ترکیه قرار دارد؛ این اختلاط هم از نظر ساختاری و هم از نظر عناوین مطرح است. در فوریه‌ی سال ۲۰۰۵ یک گروه کاری با هدف تشریح جنایات جنگی در قانون مدنی با توجه به مقوله‌های جرائم خاص در پرتو اساسنامه‌ی رم تشکیل شد.

اصلاحات قانون اساسی در پارلمان ترکیه در ۷ مه ۲۰۰۴ به تصویب رسید. این اصلاحات بر اراده‌ی سیاسی و تعهد ترکیه برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، معرفی مقررات جدید در عملکرد قوه‌ی قضاییه، هم‌ترازی از نظر روابط نظامی و مدنی با اروپا، تقویت قدرت برابری جنسیتی، وضعیت بین‌المللی موافقتنامه، مجازات اعدام و آزادی مطبوعات تأکید می‌کند. با این اصلاحیه ماده‌ی ۳۸ قانون اساسی ترکیه تحت عنوان "اصول مربوط به جرائم و مجازات" نیز تغییر یافته است.

دکتر «بوزبایندیر» در زمینه‌ی علت عدم الحاق ترکیه به دیوان، به تعارض مقررات جزایی ترکیه با اصول دیوان اشاره می‌کند و مدعی می‌شود اراده‌ی مجموعه‌ی دولتمردان ترکیه الحاق به دیوان است و با تغییرات قوانین جزایی و قانون اساسی امکان این امر مهیا می‌گردد. (Bozbayindr. 2013)

–کشور مالزی

در کشور مالزی دو دیدگاه در خصوص دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد. نخست، نظریه‌ای که معتقد به الحاق هر چه سریعتر مالزی به دیوان است. «آمیگا سرین واسان» (Ambiga Sreenevasen) (رئیس شورای بار مالزی) معتقد است کشورش هر چه سریعتر باید به اساسنامه‌ی رم بپیوندد. وی این اقدام را در راستای برقراری عدالت در سطح جهانی و حضور بیشتر مالزی در عرصه‌های بین‌المللی می‌داند. (Sreenevasen. 2007)

نظریه‌ی دوم معتقد است که دیوان بین‌المللی دادگستری نهادی وابسته و تحت تاثیر قدرت‌های بزرگ جهانی است و باید بتواند در برابر فشارهای این قدرت‌ها عایقی ایجاد کند. در حال حاضر نگرانی مالزی از نفوذ چهار عضو از پنج عضو شورای امنیت (روسیه، چین، فرانسه و ایالات متحده) در دادگاه بین‌المللی است. یکی از مسائلی که مالزی در مذاکرات رم مطرح کرد، بررسی میزان عملکرد و نظارت شورای امنیت بر دیوان است. وزیر خارجه‌ی مالزی بر این باور است که تا زمانی که دیوان تحت سلطه‌ی شورای امنیت باشد قادر نخواهد بود سیاست مورد نظرش را عملی کند و در این حالت است که فقط منافع قدرت‌های بزرگ مورد توجه قرار می‌گیرد.

یکی از متخصصین روابط بین‌الملل از دانشگاه مالزی می‌گوید: «icc باید کاملاً مستقل از شورای امنیت باشد و نه تنها باید به جنایات صدام حسین در جنگ عراق و کویت بپردازد، بلکه باید به جنایات جرج بوش برای بمباران زنان و کودکان و افراد پیر و بیمار در طول جنگ خلیج فارس نیز رسیدگی کند».

نخست وزیر وقت مالزی (ماهاتیر محمد) می‌گوید: «دیوان باید از شورای امنیت کاملاً مستقل باشد». وی همیشه موضع‌گیری قوی در مسائلی مانند: سلاح‌های هسته‌ای، پاکسازی قومی در بوسنی و قتل عام هزاران انسان بی‌گناه داشته است.

مقامات کوالالمپور همچنین بر تشکیل دادگاهی مستقل برای کشورهای جنوب شرقی آسیا (آ.س. آن) بسیار اصرار دارند و معتقدند که بهتر است دیوان بین‌المللی تنها به دولت‌ها و نقض حقوق آنها رسیدگی نکند بلکه به مسائل حقوق بشر و منافع اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند کردها و همین‌طور حقوق کارگران نیز توجه داشته باشد. (www.ips.org).

-پاکستان

دولت پاکستان با حساسیت زیادی به مسائل دیوان می‌نگرد. «منیر اکرم»، نماینده‌ی دائم پاکستان در سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۳ طی نطقی در تشریح مواضع پاکستان اعلام می‌کند؛ کشورش از ابتکار تاسیس دیوان بین‌المللی و رسیدگی به جرائم علیه بشریت، نسل‌زدایی و نقض حقوق بشر، حمایت می‌کند ولی نگرانی‌های زیادی در زمینه‌ی ساز و کار آئین دادرسی دیوان، بازداشت‌های موقت و اصول مرتبط با درگیرهای نظامی که ماهیت بین‌المللی ندارند، دارد. همچنین دولت پاکستان در ارتباط با نقض مصونیت مقامات سیاسی دولتها توسط دیوان نگران است.

به نظر می‌رسد دولت پاکستان نیز نسبت به مداخله‌ی قدرت‌های غربی و سوء استفاده‌ی آنها از ابزار دیوان علیه دولتمردان کشورهای ضعیف نگران است. (Akram, 2003)

۴- نتیجه‌گیری

در مرحله‌ی نخست می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که کشورهای اسلامی با توجه به مواضع خود در قبال دیوان، به سه دسته تقسیم می‌شوند. نخست، کشورهایی هستند که علاوه بر امضاء اساسنامه، با تصویب مفاد اساسنامه در مجالس قانونگذاری خود، با این نهاد همکاری کاملی برقرار کرده‌اند. این کشورها عمدتاً کشورهای با سابقه‌ی استعماری بوده‌اند و حق شرط‌هایشان عمدتاً شکلی است.

دسته دوم، کشورهایی هستند که صرفاً سند اساسنامه را امضا کرده‌اند ولی اقدام جدی برای طی کردن مراحل تصویب آن در مجالس قانونگذاری خود به عمل نیاورده‌اند. این کشورها (مانند سودان) امضاء خود را پس نگرفته‌اند و به تعبیری منتظر بررسی اوضاع و احوال هستند تا وضعیت عضویت خود را مشخص کنند. این دسته از دولت‌ها تمایل ندارند که با پس گرفتن امضاء خود، افکار عمومی جهانی را علیه خود بسیج کنند.

دسته‌ی سوم، کشورهایی هستند که اساساً اساسنامه را نیز امضا نکرده‌اند و عملاً هیچ تعهدی را حتی به صورت اخلاقی برای خود ایجاد نکرده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر کشورهای اسلامی، برخلاف ایران، حساسیت زیادی به تعارض مفاد اساسنامه‌ی رم با مقررات شرعی ندارند، هرچند که تعارض مفاد اساسنامه با قوانین ملی برای پاره‌ای از آنها مسأله‌ساز است.

نگرانی اکثر کشورهای اسلامی از جمله ایران مانند سایر کشورهای جهان سومی، نفوذ شورای امنیت و قدرت‌های بزرگ جهان در دیوان است. لذا همواره بیم آن را دارند که مقامات سیاسی کشورهای اسلامی در جریان مقابله با شورشهای داخلی و یا عملیات سرکوب مخالفان، از سوی دیوان مورد هدف قرار گیرند. زیرا دیوان در صورت درخواست شورای امنیت به دادخواست‌ها نیز رسیدگی می‌کند. بیشتر کشورهای اسلامی دیوان را آلت دست ابرقدرت‌ها و شورای امنیت می‌دانند و نگرانند که قدرت‌های غربی، در زمان نیاز، از دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان ابزاری علیه آنها استفاده کنند.

کتابنامه

الف- اسناد فارسی

آل حبیب، اسحاق (۱۳۷۸)، *دیوان کیفری بین الملل و جمهوری اسلامی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.

یراتی، شهرام (۱۳۸۲). «صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین المللی»، *مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست*، پاییز و زمستان (۱۳۸۲)، ش ۹.

- خزایی، احمد ، (۱۳۹۰) ، «آشنایی با دیوان بین المللی کیفری» .
<http://hoghooghonly.blogfa.com/post/1486>
- فوزی توپسرکانی، یحیی، (۱۳۷۷) ، سازمان کنفرانس اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز تحقیقات استراتژیک ، (۱۳۹۰) ، « جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین المللی»
معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل.

ب- منابع لاتین

Ahmadi. Fattah. 2008” Statement by Mr. Fattah AHMADI. “*Director, Treaties and Public International Law Department Ministry of Foreign Affairs* “ International Criminal Court . Assembly of States Parties . Seventh session - The Hague 2-14 November 2008

<http://www.docstoc.com/docs/48853145/Statement-by-Mr-Fattah-AHMADI-Director-Treaties-and-Public>

Akram. Munir.2003 “*Statement by Ambassador Munir Akram, Permanent Representative of Pakistan to the United Nations, to the Security Council on the occasion of renewal of Resolution 1422 regarding International Criminal Court*” . June 12, 2003.
<http://www.amicc.org/docs/Pakistan1422Stmt12June03.pdf>

Bozbayindir. Ali Emrah. 2013. *Turkey and the International Criminal Court. A Substantive Criminal Law Analysis in the Context of the Principle of Complementarity*. 2013, 168 S., Broschiert, . ISBN 978-3-8487-0346-3(

Sreenevasan. Ambiga. Majlis Peguam. Bar Council Malaysia17 July 2007 “Malaysia Should Join The ICC”.
http://www.iccnw.org/documents/BC_ICCPressStatement_17july07_eng.pdf

UN Docs:

STATUS AS AT : 03-02-2013 . Rome Statute of the International Criminal Court .UN Data Bases

Rome, 17 July 1998 .CHAPTER XV III . PENAL MATTERS . Entry into force July 2002, in accordance with article 126. . Registration : 1 July 2002, No. 38544 . Status : Signatories : 138. Parties : 121

http://treaties.un.org/Pages/ViewADetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XVI-II-10&chapter=18&lang=en

http://www.geneva-academy.ch/RULAC/international_treaties.php?id_state=12

Internet Docs

<http://www.ips.org>